

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پایان‌نامه کارشناسی ارشد
رشته مشاوره گرایش خانواده

عنوان:

مقایسه سبک دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان مرد موافق و مخالف با
اشتغال همسر دانشگاه علامه طباطبائی

استاد راهنما:

دکتر کیومرث فرح‌بخش

استاد مشاور:

دکتر آسیه شریعتمدار

نگارش:

نازنین آریا

زمستان

1393

تقديم به :

پدرم که همواره مشوق من در راه تحصیل علم و دانش است و این مسیر را برای من هموار می‌کند.
روح مادرم، او که همواره تأثیر دعای خیرش را در تمامی لحظات زندگی‌ام احساس می‌کنم.

تقدیر و تشکر

سپاس بی‌کران پروردگار یکتا را که هستی‌مان بخشید و به طریق علم و دانش رهنمونمان شد و به هم‌نشینی رهروان علم و دانش مفتخرمان نمود و خوشه‌چینی از علم و معرفت را روزی‌مان ساخت.

با تشکر فراوان از زحمات استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر کیومرث فرح‌بخش که از راهنمایی‌های همیشگی ایشان بهره‌های فراوان بردم.

سپاس بی‌کران از زحمات استاد بزرگوارم سرکار خانم دکتر آسیه شریعتمدار که در کمال سعه‌صدر مشاوره بنده را در این پژوهش بر عهده گرفتند.

همچنین از زحمات استاد ارجمندم جناب آقای دکتر ابراهیم نعیمی که داور این پژوهش را بر عهده گرفتند کمال تشکر را دارم.

چکیده

هدف: پژوهش حاضر به دنبال مقایسه سبک دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان مرد موافق و مخالف با اشتغال همسر دانشگاه علامه طباطبایی است

روش: این پژوهش از نوع علی-مقایسه‌ای بود و جامعه‌ی آماری آن شامل کلیه‌ی دانشجویان مرد دانشگاه علامه طباطبایی بود، که از این میان ۲۰۰ دانشجوی (۱۰۰ دانشجو موافق و ۱۰۰ دانشجو مخالف با اشتغال همسر) به‌صورت نمونه‌ی در دسترس انتخاب گردید. برای سنجش سبک‌های دلبستگی از پرسشنامه‌ی دلبستگی بزرگسال رید و کالینز تجدیدنظر شده (RAAS) استفاده گردید، پرسشنامه‌ی سنجش صفات پنج عاملی شخصیت نئو فرم کوتاه (NEO-FFI) نیز به سنجش ویژگی‌های شخصیتی پرداخت.

برای تحلیل داده‌ها از تحلیل مانوا، رگرسیون لجستیک، t استودنت و خی دو استفاده گردید. نتایج به دست آمده از تحقیق نشان داد که فرضیه‌ی اصلی مبنی بر وجود تفاوت معنادار سبک دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی بین دانشجویان مرد موافق و مخالف با اشتغال همسر دانشگاه علامه طباطبایی تأیید شد. از بین ویژگی‌های شخصیتی، ابعاد برون‌گرایی و توافق‌گرایی بین دو گروه موافق اشتغال همسر و مخالف اشتغال همسر تفاوت معناداری را در سطح $p < 0.01$ نشان دادند. ابعاد شخصیتی روان‌نژندی، گشودگی و وجدانی بودن و سبک‌های دلبستگی تفاوت معناداری در سطح $p > 0.05$ را بین دو گروه موافق و مخالف اشتغال همسر نشان ندادند. این یافته‌های به این معنی می‌باشد که مردانی که از ویژگی شخصیتی توافق بیشتر بهره می‌برند بیشتر موافق اشتغال همسرانشان هستند و مردانی که مخالف اشتغال همسرانشان می‌باشند توافق‌گرایی کمتری دارند. همچنین مردانی که موافق اشتغال همسرانشان هستند نمرات برون‌گرایی کمتری گرفته‌اند و تا حدودی درون‌گراتر از مردانی هستند که مخالف اشتغال همسرشان می‌باشند و سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و اضطرابی بین مردانی که مخالف اشتغال همسرشان هستند و مردانی که موافق اشتغال همسرشان هستند تفاوت معنادار و چشم‌گیری ندارد.

نتیجه‌گیری: دو عامل برون‌گرایی و توافق‌گرایی می‌تواند موافقت یا مخالفت با اشتغال همسر را پیش‌بینی کند.

واژگان کلیدی: سبک دلبستگی، ویژگی‌های شخصیتی، دانشجویان مرد موافق و مخالف با اشتغال همسر

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول: کلیات پژوهش
۱.....	مقدمه.....
۴.....	بیان مسئله.....
۷.....	اهمیت و ضرورت پژوهش.....
۸.....	اهداف پژوهش.....
۹.....	فرضیه‌های پژوهش.....
10.....	تعریف متغیرهای پژوهش.....
	فصل دوم: ادبیات و پیشینه پژوهش
12.....	مقدمه.....
12.....	مفهوم‌شناسی دلبستگی.....
۱۶.....	نظریه روان‌کاوی.....
۱۷.....	نظریه هورنای.....
۱۷.....	نظریه اریکسون.....
۱۸.....	نظریه رفتارگرایی.....
۱۸.....	نظریه یادگیری.....
۱۹.....	نظریه دلبستگی جان بالبی.....
۲۰.....	سبک‌های دلبستگی بزرگسالان.....
۲۳.....	شخصیت.....
۲۵.....	نظریه‌های عاملی شخصیت.....
۲۵.....	مدل سه عاملی آیزنک.....
۲۵.....	تحلیل عوامل.....
۲۶.....	نظریه پنج عاملی شخصیت.....
۲۸.....	الگوی نظری فرضی برای پنج عامل اصلی.....
۲۸.....	معرفی پنج عامل بزرگ شخصیت.....
۳۶.....	محدودیت‌ها و نقاط قوت مدل پنج عاملی.....
۳۷.....	رابطه‌ی بین الگوهای پنج عاملی و سایر الگوهای عاملی شخصیت.....

عنوان	صفحه
اشتغال.....	۳۷
گونه‌شناسی سازه‌های ذهنی جامعه نسبت به اشتغال زنان.....	۳۷
موانع اشتغال زنان.....	۳۹
پژوهش‌های داخلی و خارجی انجام شده در زمینه‌ی سبک دل‌بستگی و ویژگی‌های شخصیتی و تأثیرات آن‌ها بر روابط زناشویی.....	۴۲
پژوهش‌های انجام شده در رابطه با اشتغال زنان.....	۴۶
پژوهش‌های انجام شده در زمینه سبک‌های دل‌بستگی مرتبط با اشتغال.....	۴۸
فصل سوم: روش پژوهش	
طرح پژوهش.....	۵۱
جامعه آماری پژوهش.....	۵۱
نمونه و روش نمونه‌گیری.....	۵۱
ابزار پژوهش.....	۵۲
روش اجرای پژوهش.....	۵۶
روش تجزیه و تحلیل داده‌ها.....	۵۶
فصل چهارم: نتایج پژوهش	
مقدمه.....	۵۸
آمار توصیفی و متغیرهای جمعیت شناختی.....	۵۸
تحلیل توصیفی یافته‌های تحقیق.....	۶۳
تحلیل آماری فرضیه‌های تحقیق.....	۶۴
خلاصه فصل.....	۷۳
فصل پنجم: بحث و نتیجه‌گیری	
مقدمه.....	۷۵
خلاصه و جمع‌بندی.....	۷۵
بحث و نتیجه‌گیری.....	۸۶
پیشنهاد‌های کاربردی تحقیق.....	۸۷
پیشنهاد‌های برای تحقیقات آتی.....	۸۷
محدودیت‌های تحقیق.....	۸۸

صفحه	عنوان
۸۹	منابع و مآخذ.....
101	پرسشنامه سبک دل‌بستگی بزرگسالان رید و کالینز.....
102	پرسشنامه پنج عاملی شخصیت فرم کوتاه (NEO- FFI).....

فهرست جدول‌ها

صفحه	عنوان
۵۹	جدول (۱-۴) توزیع فراوانی نمونه مورد مطالعه به تفکیک وضعیت تأهل
۶۰	جدول (۲-۴) توزیع فراوانی نمونه مورد مطالعه به تفکیک سن
۶۱	جدول (۳-۴) توزیع فراوانی نمونه مورد مطالعه به تفکیک تحصیلات
۶۲	جدول (۴-۴) توزیع فراوانی نمونه مورد مطالعه به تفکیک اشتغال همسر
۶۳	جدول (۵-۴) یافته‌های توصیفی خرده مقیاس‌های تحقیق در گروه موافق و مخالف با اشتغال همسر
۶۴	جدول (۶-۴) توزیع فراوانی سبک‌های دل‌بستگی به تفکیک موافقت و مخالفت با اشتغال همسر
۶۵	جدول (۷-۴) آزمون کولموگروف اسمیرنوف تک نمونه‌ای
۶۵	جدول (۸-۴) آزمون باکس برای بررسی همگنی ماتریس‌های واریانس
۶۶	جدول (۹-۴) آزمون لوین برای بررسی همگنی واریانس گروه‌های هم پراش و وابسته با یکدیگر
۶۶	جدول (۱۰-۴) ضرایب همبستگی پیرسون مقیاس‌های مورد مطالعه
۶۶	جدول (۱۱-۴) آزمون لامبدای ویکلز برای بررسی تفاوت میانگین‌های گروه‌ها
۶۷	جدول (۱۲-۴) نتایج تحلیل واریانس مانوای متغیرهای مورد مطالعه بین دو گروه موافق و مخالف با اشتغال همسر
۶۸	جدول (۱۳-۴) نتایج آزمون برازش مدل رگرسیون لجستیک
۶۹	جدول (۱۴-۴) ضرایب متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون لجستیک پیش‌بینی موافقت و مخالفت با اشتغال همسر
۶۹	جدول (۱۵-۴) آزمون خی دو برای تفاوت دل‌بستگی ایمن بین مردان موافق و مخالف
۷۰	جدول (۱۶-۴) آزمون خی دو برای تفاوت دل‌بستگی اجتنابی بین مردان موافق و مخالف
۷۰	جدول (۱۷-۴) آزمون خی دو برای تفاوت دل‌بستگی اضطرابی بین مردان موافق و مخالف
۷۱	جدول (۱۸-۴) تفاوت میانگین روان‌نژندی در بین دو گروه موافق و مخالف اشتغال همسر
۷۱	جدول (۱۹-۴) تفاوت میانگین برون‌گرایی در بین دو گروه موافق و مخالف اشتغال همسر
۷۲	جدول (۲۰-۴) تفاوت میانگین گشودگی بین دو گروه موافق و مخالف اشتغال همسر
۷۲	جدول (۲۱-۴) تفاوت میانگین توافق‌گرایی بین دو گروه موافق و مخالف اشتغال همسر
۷۳	جدول (۲۲-۴) تفاوت میانگین باوجدان بودن بین دو گروه موافق و مخالف اشتغال همسر

فهرست شکل‌ها

صفحه	عنوان
۵۹.....	شکل (۱-۴) توزیع فراوانی نمونه مورد مطالعه به تفکیک وضعیت تأهل.....
۶۰.....	شکل (۲-۴) توزیع فراوانی نمونه مورد مطالعه به تفکیک سن.....
۶۱.....	شکل (۳-۴) توزیع فراوانی نمونه مورد مطالعه به تفکیک تحصیلات.....
۶۲.....	شکل (۴-۴) توزیع فراوانی نمونه مورد مطالعه به تفکیک اشتغال همسر.....
۶۴.....	شکل (۵-۴) فراوانی سبک‌های دل‌بستگی در دو گروه.....

فصل اول

کلیات

پژوهش

مقدمه

خانواده به‌عنوان یک گروه واحد اجتماعی دربرگیرنده بیش‌ترین، عمیق‌ترین و اساسی‌ترین مناسبات انسانی است که بر اساس ازدواج و زندگی زناشویی شکل می‌گیرد. روی‌هم‌رفته، ازدواج را می‌توان ارتباطی دانست که دارای تمامیت بی‌نظیر و گسترده‌ای است؛ ارتباطی که دارای ابعاد زیستی، عاطفی، روانی، اقتصادی و اجتماعی است (ساروخانی، ۱۳۷۵).

با ایجاد این عقد، طرفین در مقابل یکدیگر از حقوق و تکالیفی برخوردار می‌شوند که ممکن است در آغاز و یا در ادامه‌ی زندگی مشترک بین برخی از این حقوق و تکالیف تزاخم به وجود آید. یکی از مصادیق این تزاخم در ارتباط با اشتغال زن است چراکه لازمه‌ی اشتغال به‌ویژه اشتغال در خارج از خانه، خروج زن از منزل است درحالی‌که خروج زن از منزل ممکن است با تمکین او از شوهر و حفظ مصالح خانواده مغایرت پیدا کند. البته چنانچه بین زن و شوهر در خصوص اشتغال زن، توافق وجود داشته باشد، مشکلی متوجه آنان خانواده نخواهد بود، اما اگر شوهر با اشتغال زن مخالفت نماید، منجر به وقوع اختلافات خواهد شد (افتخار جهرمی و داوودی، ۱۳۹۰). از طرفی تغییر نقش‌های سنتی زنان و تقاضای روزافزون آنان برای مشارکت در عرصه‌های مختلف، امروز به واقعیت انکارناپذیر جامعه‌ی ایران تبدیل شده است. این وضعیت حاصل دگرگونی در نظام ارزش‌ها، رشد اندیشه‌ی مردم‌سالاری، گسترش آگاهی‌های عمومی، رشد مطالبات مدنی، ارتقای تحصیلات تخصصی زنان و هم‌چنین تغییر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی در دهه‌های اخیر است (جواهری، سراج‌زاده و رحمانی، ۱۳۸۹). علاوه بر این اشتغال زنان سبب افزایش قدرت تصمیم‌گیری آن‌ها در امور اقتصادی، نحوه تربیت فرزندان، تعیین موالید، تعیین نحوه گذراندن اوقات فراغت و افزایش مشارکت سیاسی-اجتماعی آنان می‌شود (باقری، ملتفت و شریفیان، ۱۳۸۸).

به نظر می‌رسد مهم‌ترین عواملی که بر بقا، دوام و رشد خانواده اثر می‌گذارد روابط سالم و تفاهم بین اعضا به‌خصوص زن و شوهر است (مهرابی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹) و دل بستگی یکی از عوامل مهمی است که امروزه در ارتباط بین زن و شوهر نقش مهمی ایفا می‌کند چنان‌که بر اساس پژوهش مظاهری (۱۳۷۹) رابطه قوی و مهمی بین سبک دل بستگی (خصوصاً جفت شدن سبک‌های دل بستگی زن و شوهر با یکدیگر)، ساختار خانواده و سازگاری زناشویی وجود دارد به‌نحوی‌که نشان‌دهنده اهمیت دل بستگی زوجین به‌عنوان مؤلفه‌ای مهم در شکل‌گیری روابط خانوادگی است.

دلبستگی^۱ پیوند هیجانی نسبتاً پایداری است که بین کودک و مادر یا افرادی که نوزاد در تعامل منظم با آن‌هاست، ایجاد می‌شود (پاپالیا^۲؛ ترجمه عرب قهستانی، ۱۳۹۱). فروید^۳ بر این باور بود که علت دلبستگی نوزاد به مادر تغذیه و رفع نیاز فیزیولوژیک است (سانتراک^۴؛ ترجمه فیروزبخت، ۱۳۸۸). هارلو^۵ و زیمرمن فرضیه فروید را نقض کرده و بیان داشتند در ایجاد و تقویت دلبستگی کودک به مادر، تماس بدنی در مقایسه با تغذیه، عامل مهم‌تری است^۶ (لستر^۷، ۱۳۸۴). سپس بالبی^۸، ۱۹۶۹، ۱۹۷۲، ۱۹۸۰ به ارزیابی مفهوم دلبستگی از دیدگاه تحولی پرداخت و نظریه‌اش را بر این اساس بنا کرد که احساس‌ها و رفتارهای دلبستگی، از قبیل گریه، خنده، مکیدن و چنگ زدن، موجب نزدیکی نوزاد به مادر شده و او را از خطر دور می‌سازند و جدایی از مادر، اضطراب و درماندگی کودک را برمی‌انگیزد (کرین^۹؛ ترجمه خوبی‌نژاد و رجایی، ۱۳۸۴). تجربیات واقعی فرد درزمینه‌ی حساسیت، پاسخگو بودن، حضور فعال مراقب، خلق و خوی کودک و همچنین هماهنگی روابط والد-کودک، اساس شکل‌دهی به سبک‌های مختلف دلبستگی (ایمن^{۱۰}، اجتنابی^{۱۱} و دو سوگرا^{۱۲})، در خلال سال‌های نوزادی و کودکی است (کاپلان^{۱۳}، ۱۳۸۳). تجربیاتی که نوزاد با مراقبش کسب می‌کند در الگوهای روابط وی با دیگران درونی سازی می‌شوند و این عمل درونی شده، تعیین‌کننده چگونگی مفهوم نوزاد از خود و دیگران است، مفهومی که بعدها در روابط با دیگران تعمیم می‌یابد (پینز^{۱۴}، ۲۰۰۵).

هازن و شیور^{۱۵} از طریق بازنگری مطالعات دلبستگی کودک به منظور تعریف فرایند دلبستگی بزرگسالان، سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دو سوگرا را مشخص کردند که طبق آن، اشخاص با سبک دلبستگی ایمن، به راحتی روابط نزدیک برقرار کرده، از توانایی لازم برای تحمل تنش‌های پیرامونی برخوردار هستند، قادر به بیان هیجانات خود بوده و در شرایط درماندگی به حمایت اطرافیان تکیه می‌کنند. در این افراد خصومت و اضطراب کمتر و انعطاف‌پذیری بیشتری دیده می‌شود همچنین، از هماهنگی بیشتر با واقعیت نیز برخوردارند. افراد با سبک دلبستگی اجتنابی درزمینه‌ی صمیمیت و تعهد نگران‌اند، تمایلی به مشارکت در روابط نزدیک نداشته، ترجیح می‌دهند به دیگران وابسته نشوند و نیاز به دلبستگی را تحت فشار استقلال کنترل انکار می‌کنند. افراد با سبک

1- Attachment

۲- Papalia

3- Freud, S.

4- Santrock

5- Harlow

6- Zimmerman, R. R.

7- Lester

8- Bowlby, J.

9- Crain, W. C.

10- Secure

11- Avoidant

12- Ambivalent

13- Kaplan

14- Pines

15- Hazan, C., & Shaver, P.

دلبستگی دوسوگرا، اشتیاق زیادی برای صمیمیت داشته، درعین حال از طرد شدن هراس دارند. دوسوگراها نسبت به افراد ایمن و اجتنابی، از اعتماد به خود کمتری برخوردارند (هازان و شیور، ۱۹۸۷).

بر اساس یافته‌های پژوهش شاه مرادی، فاتحی‌زاده و احمدی (۱۳۹۰) یکی از عوامل پیش‌بینی‌کننده تعارضات زناشویی، خصوصیات شخصیتی زوجین است. واژه شخصیت معادل کلمه پرسونالیتی^۱ است که از ریشه لاتین پرسونا گرفته شده و به معنی نقاب یا ماسکی است که در یونان و روم قدیم، بازیگران تئاتر بر چهره می‌گذاشتند (شولتز؛ ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۸۷)

در حال حاضر، تعریف واحدی از شخصیت که مورد توافق همگان باشد وجود ندارد بلکه به نوع نظریه هر دانشمند بستگی دارد، برای مثال، کارل راجرز^۲، شخصیت را یک خویشتن سازمان‌یافته دائمی می‌داند که محور تمام تجربه‌های وجودی ماست، یا گوردون آلپورت^۴، شخصیت را مجموعه عوامل درونی که تمام فعالیت‌های فردی را جهت می‌دهد، تلقی می‌کند (شاملو، ۱۳۸۲).

در رابطه با بررسی شخصیت، بقراط نخستین فردی بود که افراد را بر اساس مزاج آن‌ها طبقه‌بندی کرد. پس از او، کرچمر (۱۹۲۵) و شلدون (۱۹۵۴) افراد را بر اساس ریخت و ساختمان بدنی طبقه‌بندی کردند، اما روان - سنجان این طبقه‌بندی‌ها را مورد انتقاد قرار دادند و در نتیجه، دیدگاه تحلیل عوامل اسپیرمن برای بررسی کامل‌تر شخصیت مطرح شد. بعدها نورمن و گلدبرگ^۵ عنوان کردند که شخصیت فقط پنج عامل اصلی را در بردارد و پس از آن مک‌کری و کوستا در پژوهش‌های خود به این نتیجه دست یافتند که شخصیت از پنج عامل اساسی روان‌رنجورخویی، برون‌گرایی، انعطاف‌پذیری، دلپذیری و مسئولیت‌پذیری تشکیل شده است. این پنج عامل با انواع شیوه‌های سنجش، از جمله خودسنجی‌ها، آزمون‌های عینی و گزارش‌های مشاهده‌گران تأیید شدند (سرو قد، رضایی و ایرانی، ۱۳۹۱).

از نظر مک‌کری و کوستا (۱۹۹۱) ویژگی این پنج عامل بدین صورت است که روان‌رنجورها نگران، نایمن، عصبی و بسیار دل‌شوره‌ای هستند؛ بنابراین، اضطراب بیش‌تری را تجربه می‌کنند، برون‌گراها معاشرتی، حراف، لذت‌جو و بامحبت هستند. انعطاف‌پذیرها مبتکر، مستقل، خلاق و شجاع، دلپذیر، خوش‌قلب، دلسوز، ساده‌دل و موبدند و افراد مسئولیت‌پذیر، دقیق، قابل‌اعتماد، سخت‌کوش و منظم هستند (به نقل از سرو قد و همکاران، ۱۳۹۱).

1- Personality
2- Persona
3- Carl Rogers
4- Gordon Allport
5- Norman & Goldberg

با توجه به اهمیت زیادی که جوامع امروزی برای خانواده، روابط موفق زناشویی و سلامتی افراد جامعه قائل هستند بررسی مسائل و مشکلاتی که منجر به آسیب‌پذیری روابط زوجین می‌گردد، ضروری به نظر می‌رسد. از سویی، تمایل روزافزون زنان به اشتغال و مخالفت از سوی همسران آن‌ها منجر به ایجاد تعارض شده و روابط زوجین را تحت تأثیر قرار می‌دهد بنابراین با توجه به تأثیر مهم سبک دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی در موافقت و مخالفت با اشتغال همسر و تحت تأثیر قرار گرفتن روابط زناشویی، پژوهش در زمینه‌ی ارتباط بین متغیرهای مذکور ضروری به نظر می‌رسد. لذا در این پژوهش به دنبال مقایسه سبک دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان مرد موافق و مخالف با اشتغال همسر هستیم. تا در نهایت بتوان از نتایج حاصل از این پژوهش به ارائه راهکارهای مؤثری برای جلوگیری از ایجاد تعارضات زناشویی در خانواده‌ها و بهبود روابط زناشویی دست یابیم.

بیان مسئله

ازدواج مقدمه تشکیل خانواده است. خانواده با پیوند زناشویی شکل می‌گیرد و تداوم و بقای آن نیز به تداوم و بقای پیوند زناشویی وابسته است. علی‌رغم اینکه ازدواج رضایت‌بخش یکی از عوامل مهم بهداشت روانی جامعه محسوب می‌شود، ولی چنانچه ازدواج و زندگی خانوادگی شرایط نامساعدی برای ارضای نیازهای روانی زوجین ایجاد کند، نه تنها بهداشت روانی تحقق نمی‌یابد، بلکه آثار منفی و گاهی جبران‌ناپذیری را به جای می‌گذارد (سلیمانیان و همکاران، ۱۳۸۴)

باید توجه داشت که اشتغال زن به کارهای اقتصادی تنها از نظر مادی و کمک تأمین معاش و بهبود شرایط مالی اعضای خانواده حائز اهمیت نیست، بلکه این امر بیشتر از نظر عاطفی و اجتماعی بدین خاطر که زن احساس سازندگی و خلاقیت می‌دهد، اهمیت دارد و تأثیر آن نه تنها در رفتار و شخصیت زن بلکه در روحیات تک‌تک اعضای خانواده به طور غیرمستقیم کل جامعه احساس می‌شود (پویان، ۱۳۷۷؛ به نقل از بنی‌فاطمه و مهبد، ۱۳۸۹).

به گزارش مرکز آمار ایران^۱ نرخ اشتغال زنان در سال ۱۳۹۱، ۸۰/۴ بوده است. عوامل اجتماعی، اقتصادی، شخصی، شناختی، مذهبی فراوانی وجود دارند که در موافقت یا مخالفت مردان با اشتغال همسرانشان دخیل بوده و در این میان سبک‌های دلبستگی یکی از عوامل روان‌شناختی است که بر تمامی روابط زندگی انسان و از جمله روابط خانوادگی تأثیرگذار است.

1- www.Amar.org.ir

بالبی^۱ در نظریه دلبستگی بر این نکته تأکید داشت که ارتباطات اولیه دوران کودکی، سبک دلبستگی فرد را شکل می‌دهد و بر دیدگاه فرد درباره خود، دیگران و روش سازمان‌دهی ارتباطات میان فردی تأثیر می‌گذارد. بر طبق این نظریه، تأثیر کیفیت دلبستگی در تمامی فراخنای عمر تداوم دارد و تبیین‌کننده تفاوت‌های فردی در زمینه‌ی روش‌های مقابله‌ای با آزردهی‌های درونی^۲ و تنظیم روابط میان فردی است (احدی، ۱۳۸۸). اگرچه همه‌ی افراد در دوران کودکی نوعی سبک دلبستگی را شکل می‌دهند، اما این باور وجود دارد که تفاوت‌های فردی در دلبستگی مستقیماً به‌وسیله‌ی رفتارهای مراقبتی نمادهای دلبستگی و نه به‌وسیله‌ی فاکتورهای خود کودک تعیین می‌گردد (کلمنتس^۳، ۲۰۰۴).

پژوهش‌هایی که در رابطه با سبک دلبستگی صورت گرفته است حکایت از این دارد که سبک دلبستگی در روابط زناشویی تأثیرگذار است. برای مثال نتایج پژوهش بیرامی، فهیمی، اکبری و امیری پیچاکلائی (۱۳۹۱) از این باور حمایت می‌کند که روابط اولیه‌ی افراد در محیط خانواده به شکل‌گیری سبک دلبستگی خاص و سطوح بالا یا پایین تمایز یافتگی منجر می‌گردد و این تجارب اولیه بر روابط بین فردی زوجین در بزرگسالی تأثیر مستقیم می‌گذارد. چنان‌که مطالعه رجایی، نیری و صداقتی (۱۳۸۶) نشان داد آزمودنی‌های دارای سبک دلبستگی ایمن از مشکلات زناشویی کم‌تر، مشکلات بین شخصی کم‌تر و سطح شادکامی بیشتری نسبت به آزمودنی‌های واجد سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا برخوردارند. همچنین داویلا و برادبری^۴ (۱۹۹۸) در پژوهشی نشان دادند که درک مثبت از همسران که از ویژگی‌های افراد با سبک دلبستگی ایمن است، رفتارهای حمایتی و رضایتمندی زناشویی را در زوجها پیش‌بینی می‌کند. بدین معنی که افراد ایمن در قبال همسرشان رفتارهای حمایتی و درک و فهم بیشتری دارند که این خود می‌تواند رضایتمندی و صمیمیت زناشویی را در بین آن‌ها افزایش دهد.

یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر روابط زناشویی ویژگی‌های شخصیتی است. شخصیت الگوهای متمایز و ویژه‌ای از افکار، هیجان‌ها و رفتارها است که سبک شخصی تعامل هر فرد با محیط مادی او را شکل می‌دهند (اتکینسون؛ ترجمه رفیعی و همکاران، ۱۳۸۴).

پژوهش‌های مختلفی در زمینه‌ی ارتباط ویژگی‌های شخصیتی و تأثیر آن بر روابط زناشویی صورت گرفته است برای مثال: پژوهش شاکریان، فاطمی و فرهادیان (۱۳۹۰) نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی برون‌گرایی، دلبپذیر بودن، وجدان‌گرایی و روان‌رنجوری می‌تواند رضایت زناشویی را پیش‌بینی کند. پژوهش محمدزاده ابراهیمی، جمهری، برجعلی (۱۳۸۷) مؤید آن است که ویژگی شخصیتی مقبولیت و برون‌گرایی، افزایش رضایت زناشویی زوجین را به همراه دارد همچنین شاکریان و همکاران (۱۳۹۰) معتقد هستند از آنجا که برون‌گرایی با

1- Bowlby

2- Inner distress

3- Clements, B.

4- Danila & Brudbery

عواطف مثبت مانند صمیمیت، خوش‌بینی و هیجان‌های مثبت مانند شادی، لذت و عشق همراه است می‌تواند باعث ایجاد روابط زناشویی محکم بین زن و مرد شود و افزایش رضایت زناشویی را به دنبال دارد؛ اما از سویی دیگر روان‌نژندی پیش‌بینی‌کننده‌ی قوی رضایت زناشویی پایین است و نمرات بالا در این عامل با عدم ثبات عاطفی و عواطف منفی همراه است که معمولاً سطح سازگاری فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و تمایل بیشتری به تکانش‌گری، پرخاشگری و آسیب‌پذیری دارند که چنین ویژگی‌هایی احتمال جدایی و طلاق را افزایش می‌دهد. همچنین به نظر می‌رسد تمایل زن برای اشتغال و مخالفت همسر یکی از عواملی است که در پیدایش طلاق و نارضایتی زوجین از زندگی مشترک نقش مهمی را ایفا می‌کند. از جمله تأثیراتی که اشتغال زن بر روابط زن و مرد می‌گذارد این است که زنی که درآمدی ندارد تسلیم می‌شود حتی اگر در ازدواج خشنود نباشد. برعکس زنی که شاغل است به این دلیل که به همسر خود وابستگی مالی ندارد، اجباری به تحمل ازدواج ناموفق نمی‌بیند (توسلی و سعیدی، ۱۳۹۰).

با توجه به تحقیقات فوق و اهمیت سه مقوله اشتغال همسر، سبک دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی از یک‌سو و نقش هرکدام از این متغیرها در پیدایش نارضایتی‌های زناشویی از سوی دیگر و ارتباطی که ممکن است موافقت یا مخالفت با اشتغال همسر با سبک دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی داشته باشد محقق را بر آن داشت تا به مطالعه و پژوهش در این مورد مهم بپردازد که در تحقیقات انجام شده تا جایی که محقق بررسی کرده است بررسی سه متغیر مذکور به طور همزمان پرداخته نشده است.

این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که سهم هر یک از متغیرهای سبک دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی در موافقت یا مخالفت با اشتغال همسر چقدر است؟ و آیا رابطه‌ای بین موافقت یا مخالفت با اشتغال همسر با سبک دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی وجود دارد؟ از این‌روی محقق، به دنبال مقایسه سبک دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان مرد موافق و مخالف با اشتغال همسر است زیرا به نظر می‌رسد که مردان با سبک دلبستگی دوسوگرا از آنجا که اشتیاق زیادی برای صمیمیت دارند، درعین‌حال ترس از طرد را تجربه می‌کنند و از اعتماد به خود کمتری برخوردارند، با ترس از دست دادن همسرشان در اثر اشتغال مواجه‌اند و با این مسئله مخالفت می‌کنند اما مردان با سبک دلبستگی ایمن از آنجایی که اضطراب کمتر و انعطاف‌پذیری بیشتری در روابط دارند و از هماهنگی بیشتر با واقعیت برخوردارند، با اشتغال همسر مخالفتی نمی‌کنند، همچنین مردان با سبک دلبستگی اجتنابی به این دلیل که ترجیح می‌دهند به دیگران وابسته نشوند و نیاز به دلبستگی را تحت فشار استقلال و کنترل انکار می‌کنند نیز با اشتغال همسر مخالفتی ندارند. از این‌رو در پژوهش حاضر به مقایسه سبک دلبستگی مردان موافق و مخالف با اشتغال همسر پرداخته می‌شود. علاوه بر این از لحاظ نظری

روابط باثبات و معناداری بین سبک دلبستگی و مقیاس‌های ویژگی‌های شخصیتی وجود دارد (نوفتل و شیور^۱، ۲۰۰۶). از این رو به بررسی ویژگی‌های شخصیتی مردان موافق و مخالف با اشتغال همسر نیز پرداخته خواهد شد.

اهمیت و ضرورت پژوهش

اشتغال یکی از مباحث مهم عصر حاضر در جهت گسترش مشارکت اجتماعی و فعالیت اقتصادی زنان است که تغییرات بسیاری در ساختار ارزشی، فرهنگی و هنجاری خانواده و جامعه ایران به وجود آورده است. اشتغال زنان و شکل‌گیری توانمندی‌های این جنس در جامعه، در توسعه اقتصادی همراه با افزایش درآمد ناخالص ملی، سطح درآمد خانواده، حمایت اقتصادی از خانواده و احراز نظام‌های مدیریت، بسیار حائز اهمیت است. از بعد اجتماعی، اشتغال زنان در کنترل جمعیت، افزایش سطح آگاهی خانواده و تغییر نگرش‌های خانواده نسبت به فعالیت اشتغال‌زایی زنانه در عرصه حوزه عمومی کار، نقش بسزایی در توسعه اجتماعی جامعه داشته است. با این حال، هنوز موانع فرهنگی چون تعصب، پیش‌داوری، تسلط قدرت مردان و عدم توجه به فعالیت و کار زن در جامعه وجود دارد که موجب شده است نوعی ناپایداری در عرصه توسعه اشتغال زنان در جامعه به وجود آید. (شربتیان، ۱۳۸۷).

کار قسمت اعظمی از اوقات زندگی هر فرد را به خود اختصاص می‌دهد، عامل تبلور شخصیت انسان است و رابطه‌ای است که فرد بین خود و جهان پیرامونش برقرار می‌کند تا در سایه آن نیازهای روانی و اقتصادی‌اش را برآورده سازد. می‌نجر^۲ معتقد است که کار کردن وسیله‌ای برای ایجاد روابط اجتماعی با دیگران، برآورده شدن نیازهای دوست داشتن و دوست داشته شدن و صرف انرژی در راه مطلوب است. به علاوه از نظر وی، فرد از طریق کار کردن خود را جزئی از جامعه به حساب می‌آورد، به تولید کالا یا خدماتی اقدام می‌نماید و نقش را در سازندگی کشور به نحو احسن ایفا می‌کند، او همچنین به این مطلب اشاره دارد که کار کردن نشانه‌ای از بلوغ و بزرگسالی است، فرد را به سمت اشتغال سوق می‌دهد و انسان ضمن کار کردن از طریق مقایسه خودش با دیگران می‌تواند به ارزشیابی توانایی‌ها، مهارت‌ها و نیز کشف محدودیت‌هایش اقدام کند. آدلر^۳ نیز معتقد است که انسان از طریق کار کردن می‌تواند به روابط اجتماعی موفق نائل شده و مورد تأیید واقع گردد (شفیع‌آبادی، ۱۳۸۲).

کسی که کار نمی‌کند قادر نیست نیازهای مادی و روانی خود را تأمین کند لذا با حالاتی نظیر افسردگی، اضطراب، ناامیدی، عدم تعادل روانی، احساس پوچی، بی‌هویتی، ناآرامی مواجه می‌شود (شفیع‌آبادی، ۱۳۸۶).

1- Nofle & Shaver
2- Menninger
3- Adler

اشتغال زن باعث افزایش اعتماد به نفس و امیدواری او می‌شود، همچنین موجب می‌گردد او خود را عضو مفید و سازنده‌ای از جامعه بداند و ضمن همکاری و مشارکت با همسرش در انجام کارهای منزل، همبستگی خود را با سایر اعضای خانواده محکم‌تر سازد (شفیع‌آبادی، ۱۳۸۴).

بر این اساس، انگیزه‌های اشتغال زنان را باید هر چه بیشتر تقویت کرد و تقویت انگیزه‌ها ممکن نیست مگر اینکه به فعالیت‌های اجتماعی آنان ارج گذاشته شود و آن‌ها را به لحاظ مادی و معنوی تقویت کرد و بالاخره موانع اشتغال از سر راه آنان برداشته شود (خوش تقاضا، ۱۳۷۶) که یکی از موانع، مخالفت مرد با اشتغال همسر خود است که می‌تواند به دلیل سبک و دلبستگی و یا ویژگی‌های شخصیتی او باشد. شواهد موجود و تحقیقات به عمل آمده توسط محقق گویای آن است که محقق پژوهشی را در خصوص ارتباط متغیرهای مذکور در جامعه نیافته است. از سوی دیگر می‌توان به اهمیت کاربردی و نظری آن نیز اشاره نمود که در بعد کاربردی احتمالاً در صورت تأیید فرضیه‌های پژوهش و تأیید رابطه میان سبک دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی مردان و موافقت یا عدم موافقت نسبت به اشتغال همسر، می‌توان از نتایج پژوهش در مشاوره‌های قبل از ازدواج استفاده کرده و در صورت تمایل زن برای اشتغال پس از ازدواج، این امر را تسهیل کرد و بر اساس سبک دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی مرد، موافقت یا مخالفت وی را نسبت به اشتغال همسر پیش‌بینی کرده و اطلاعات لازم را در اختیار زن قرار بدهیم. همچنین اگر پس از ازدواج زوجین به علت اختلاف در زمینه اشتغال زن به مشاور مراجعه کردند می‌توان با تشخیص سبک دلبستگی مرد و کمک به او جهت تغییر آن به حل اختلاف کمک کنیم و همچنین در بعد نظری نیز می‌تواند به روشن شدن نقش متغیرهای مهمی همچون سبک دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی در موافقت یا مخالفت با اشتغال همسر بینجامد. از سویی بررسی همه‌جانبه سازه‌های پیش‌گفته می‌تواند به شناخت بهتر و اهمیت این متغیرها، بررسی اهمیت آن‌ها، چگونگی کارکرد آن‌ها در روابط زناشویی و همچنین بالا بردن دانش نظری در مورد سازه‌های فوق کمک شایان توجهی کند.

اهداف پژوهش

- مقایسه سبک دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی مردان موافق و مخالف با اشتغال همسر
- پیش‌بینی موافقت یا مخالفت مردان با اشتغال همسر بر اساس سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی
- مقایسه سبک دلبستگی ایمن در مردان موافق و مخالف با اشتغال همسر.
- مقایسه سبک دلبستگی اجتنابی در مردان موافق و مخالف با اشتغال همسر.
- مقایسه سبک دلبستگی دوسوگرا در مردان موافق و مخالف با اشتغال همسر.
- مقایسه بعد نوروزگرایی در مردان موافق و مخالف با اشتغال همسر.
- مقایسه بعد برون‌گرایی در مردان موافق و مخالف با اشتغال همسر.

- مقایسه بعد گشودگی در مردان موافق و مخالف اشتغال همسر.
- مقایسه بعد همسازی (توافق) در مردان موافق و مخالف اشتغال همسر تفاوت.
- مقایسه بعد وجدانی بودن در مردان موافق و مخالف اشتغال همسر.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی: بین سبک دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان مرد موافق و مخالف با اشتغال همسر تفاوت معنادار وجود دارد.

فرضیه‌ی فرعی اول: ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های دلبستگی می‌تواند موافقت و مخالفت با اشتغال همسر را پیش‌بینی کند.

فرضیه‌ی فرعی دوم: بین سبک دلبستگی ایمن مردان موافق و مخالف اشتغال همسر تفاوت معنادار وجود دارد.

فرضیه‌ی فرعی سوم: بین سبک دلبستگی اجتنابی مردان موافق و مخالف اشتغال همسر تفاوت معنادار وجود دارد.

فرضیه‌ی فرعی چهارم: بین سبک دلبستگی دوسوگرا مردان موافق و مخالف اشتغال همسر تفاوت معنادار وجود دارد.

فرضیه‌ی فرعی پنجم: بین بعد نوروگرایی مردان موافق و مخالف اشتغال همسر تفاوت معنادار وجود دارد.

فرضیه‌ی فرعی ششم: بین بعد برون‌گرایی مردان موافق و مخالف اشتغال همسر تفاوت معنادار وجود دارد.

فرضیه‌ی فرعی هفتم: بین بعد گشودگی مردان موافق و مخالف اشتغال همسر تفاوت معنادار وجود دارد.

فرضیه‌ی فرعی هشتم: بین بعد همسازی (توافق) مردان موافق و مخالف اشتغال همسر تفاوت معنادار وجود دارد.

فرضیه‌ی فرعی نهم: بین بعد وجدانی بودن مردان موافق و مخالف اشتغال همسر تفاوت معنادار وجود دارد.